

حکم حج با مال حرام*

□ حجت الاسلام میرحسین مبلغ
طلبه سطح چهار مجتمع آموزش
عالی فقه

چکیده

مقاله حاضر به استدلال درباره حکم حج، با مال غیر خمس و غیر مزکی، و نیز حکم حج با مال حرام و غصبی می‌پردازد. فقها در این باره، تاکنون دیدگاه‌های متفاوتی مطرح کرده‌اند. عده‌ای می‌گویند: اگر لباس احرام، لباس طواف، لباس نماز طواف، لباس سعی، پول قربانی، از حلال باشد و بقیه مصارف از حرام، حج صحیح است، هرچند فرد گناه کرده است. نظریه دوم معتقد است در صورتی که لباس نماز طواف و پول قربانی غصبی باشد، احوط عدم صحت است. اما اگر آنها را به ذمه بگرد بعداً از حلال بدهد حج صحیح است. اما اگر از مال غصبی بدهد حج صحیح نیست. قول سوم می‌گوید: حرام بودن لباس احرام و لباس سعی، ضرر به صحت حج نمی‌زند. در نتیجه اگر تنها لباس طواف، لباس نماز طواف، پول قربانی، از حلال باشد و بقیه از حرام، حج صحیح است. قول چهارم معتقد به تفصیل است و می‌گوید: گاهی قبل از غصب مال حرام، حج به ذمه مکلف مستقر شده است و این شخص با مال حرام حج انجام می‌دهد. این حج، مجزی از آن حجه الاسلام قبلی است. اما اگر بعد از غصب مال حرام، با مال حلال مستطیع شود، مجزی نیست.

قول پنجم می‌گوید: همه این موارد باید از حلال باشد، حج با مال حرام مطلقاً باطل است. در این باره روایات بسیاری داریم که چند دسته‌اند. بعضی صحیح‌السند و اطلاق دارند، بر اساس این روایات، کسی که پولش حرام است، از پول حرام در هیچ جایی حج نمی‌تواند استفاده کند و نیز نمی‌تواند قصد قربت کند. تنها

۹۴ □ فصلنامه تخصصی پژوهشنامه فقهی/ سال اول/ شماره اول/ پاییز
۱۳۸۹

کسی که به این روایات استدلال کرده است، دیدگاه پنجم است. در این تحقیق به همه این اقوال و روایات اشاره شده است. از رهگذر این پژوهش، دیدگاه پنجم اثبات می‌شود.

کلیدواژه ها: حج، حکم، استطاعت، استدلال، متعلق، مناط، تقرب، قصد قربت، مال حلال، مال حرام، فلسفه، آثار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از آنجا که زیارت خانه خدا یکی از اعمال عبادی و الهی است، مثل بقیه عبادات، ارکان و اجزا و شرایطی دارد که اگر عمداً رعایت نشود، حج باطل است. اما اگر به طور کامل رعایت شود، آثار و برکاتش تمام اعضای ظاهری و باطنی حاجی را فرا می‌گیرد. اگر فرد در بعضی از شرایط خلل ایجاد کند، حجتش ناقص می‌شود. از این رو، یکی از شرایطی که در صحت هر عبادت، به ویژه حج، شرط شده این است که مکلف، در تمام افعال و اعمال حج از ابتدا تا انتها، باید قصد قربت داشته باشد، زیرا حج بدون قصد قربت باطل است. از همین رهگذر این سؤال پیش می‌آید که اگر مکلف بر اثر بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی، با مال غیر مخمس و غیر مزکی و مال غصبی و مال حرام حج برود، در این صورت این حج چه حکمی دارد؟ آیا قصد قربت متمشی می‌شود؟ پاسخ این سؤال را در این تحقیق خواهیم یافت.

آیات قرآن و احادیث معصومان^ع درباره اهمیت و وجوب حج فراوان است. حج، جزء ارکان دین مبین اسلام است و منکر آن کافر است. تمام فقها به ضروری بودن حج در دین اسلام اتفاق نظر دارند. امام باقر^ع می‌فرماید: «بنی الاسلام علی خمسة اشياء، علی الصلاة والزکات و الحج و الصوم والولاية» (حرعاملی، وسائل الشیعة ۱۳۷۹: ۸/۱). نیز در وصایای نبی اکرم^ص | به امیرمؤمنان^ع آمده است: مستطیع که حج را انجام ندهد کافر است:

یا علی! کفر بالله العظیم من هذه الامة عشرة... و من وجد سعة فمات و لم یحج، یا علی! تارک الحج وهو مستطیع کافر (حرعاملی، همان: ۸/ ۲۰).

باید توجه داشت که صرف ترک حج مستلزم کفر نیست، زیرا عدم انکار ضروری به عنوان قیدی در تعریف اسلام نیامده است، تا چه رسد به صرف ترک بدون انکار. منشأ تعبیر روایات از ترک حج به کفر آیه «لله علی الناس حجّ البيت...» است که در آن از تارک حج چنین تعبیر شده است: «... و من کفر فأن الله غنی عن العالمین» (آل عمران: ۹۷). اما این لغت از کفر در مقابل ایمان مشتق نیست، بلکه از کفران در مقابل شکر مشتق است. بنابراین، انکار حج هم، در صورتی موجب کفر است که سر از انکار رسالت درآورد (خویی، المستند فی شرح العروة الوثقی ۱۴۲۸: ۴/۲۶ - ۵).

حکم حج با مال غیر مخمس و غیر مزکی

کسی که نه سر سال دارد، نه خمس و زکات اموالش را حساب کرده، اما می‌داند که مستطیع شده است، ولی می‌خواهد با مال غیرمخمس و غیر مزکی حج برود، درباره این چنین کسی، مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: قبل از حرکت به سوی حج، واجب است که خمس و زکات مالش را پرداخت کند و جایز نیست با مال متعلق خمس و

زکات به حج برود. اما اگر اهمال کرد، با مال غیرمزکی و غیرمخمس به حج رفت، لکن در نزد وی از غیر مؤونه حج به مقدار ادای خمس و زکات باشد، ایشان معتقد است چون خمس و زکات به عین تعلق می‌گیرد، به نحو کلی در معین، نه بر وجه اشاعه، پس در این صورت حج صحیح است (یزدی، عروه الوثقی ۱۴۲۴: ۲ / ۲۷۵ - ۲۷۶).
خوبی در المستند ج ۲۳ / ۳۸۶ می‌گوید: (خوبی، همان: ۲ / ۲۷۵ - ۲۷۶). از همه ادله‌ای که صاحب عروه درباره تعلق زکات و خمس، به عین علی وجه الكل فی المعین استدلال می‌کند، بهترین دلیل این موثقه است:

... عن أبي المعز عن أبي عبدالله \times قال: إن الله تبارك وتعالى أشرك بين الأغنيا والفقراء في الأموال، فليس لهم أن يصرفوا الي غير شركائهم (حرعاملی، همان: ۶ / ابواب المستحقين للزكاة باب ۲ حدیث ۴).

پاسخ آقای خوبی & به صاحب عروه &

جواز تصرف در مال که خمس و زکات به آن تعلق گرفته است، در صورتی صحیح است که در عین مقدار باقی مانده، خمس و زکات به نحو کلی در معین باشد. حال آنکه چنین نیست، بلکه از آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» (انفال: ۴۱). استفاده می‌شود که تعلق خمس و زکات در اموال از قبیل اشاعه است، نه کلی در معین. در این باره موثقه سماعه هم دلالت دارد:
... عن سماعه قال: سئلت أبا الحسن \times عن الخمس فقال: في كل ما أفاد الناس من قليل أو كثير (حرعاملی، همان: ۶ / ابواب ما يجب فيه الخمس باب ۸ حدیث ۶).

از این رو، ایشان می‌گوید: قبل از پرداخت خمس، هیچ نوع تصرفی در اموال متعلق خمس جایز نیست، و لو مقدار باقی مانده از عین متعلق خمس، برای ادای آن کافی باشد. چون فرض ما بر این است، مالی که به آن خمس تعلق گرفته مشترک است و این شرکت مانع از هر نوع تصرف است. البته در مالی که زکات به آن تعلق گرفته، تصرف جایز است، به شرطی که از آن مال زکوی به اندازه زکات باقی مانده باشد. چون نص داریم که مالک، حق تقسیم زکات را دارد، اما درباره خمس نص وارد نشده است (خوبی، همان: ۲۵ / ۲۹۳ و نیز ۲۶ / ۱۹۲).

حکم جواز تصرف در خمس و زکات

چنان‌که اشاره شد، آقای خوبی & بین مال متعلق خمس و زکات فرق قائل شده است. وی تصرف در اموال متعلق خمس را قبل از ادای خمس جایز نمی‌داند، اما تصرف در مال متعلق زکات را قبل از پرداخت زکات جایز می‌داند. از این رو، از دیدگاه ایشان استفاده می‌شود، کسی که خمس اموالش را پرداخت نکرده است، هیچ نوع تصرفی در آن نمی‌تواند بکند، و جایز نیست با آن حج برود، چون مال متعلق خمس، مشترک بین خدا و پیامبر | و امام \times

حکم حج با مال حرام □ ۹۷

ذوی القربی، یتامی، مساکین، ابن السبیل (از سادات) است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» (انفال: ۴۱). تا صاحب مال، حق خدا و پیامبر | و امام × و سادات را از مال متعلق خمس جدا نکرده است، حق ندارد در آن تصرف کند. اگر تصرف کند، تصرف در مال غضبی و حرام است. در این باره روایاتی هم هست که صراحت دارد خمس باید سالم به دست امام × برسد و غیر از فقهای که مأذون از طرف امام × هستند، احدی حق ندارد در خمس تصرف کند: عن ابي جعفر قال: لا يحل لأحد أن يشتري من الخمس شيئاً حتى يصل إلينا حقنا (حرعاملی، همان: ۱/۴ از ابواب ما يجب فيه الخمس حدیث ۴).

تصرف در مالی که وجوه شرعیۀ آن (خمس یا زکات) داده نشده است جایز نیست. کسی که می‌خواهد حج برود، واجب است کلیۀ هزینه‌هایی که در راه حج مصرف می‌کند، مانند مالی را که برای ثبت نام می‌دهد و پول قربانی، لباس احرام، سوغاتی و ولیمه و... از حلال باشد (شیرازی زنجانی، مناسک حج: ۲۳). بنابراین، کسی که خمس مالش را جدا نکرده است، اگر با آن حج برود، در حکم حج با مال حرام و غضبی است. در مباحث آینده اشاره خواهیم کرد که چنین حجی باطل است.

حکم تعیین حج با خمس و زکات

امام خمینی & درباره کسی که خمس و زکات را به کسی بدهد و شرط کند که با آن حج به جا آورد می‌فرماید: این شرط لغو است. اما در ذیل این مسئله، امام استثنایی دارد و می‌فرماید: مالک از سهم سبیل الله می‌تواند موارد مصرف را تعیین و شرط کند:

نعم لواعطاء من سهم سبیل الله لیحج لایجوز صرفه فی غیره (امام خمینی، تحریر الوسیله: ۲/۳۷۸).

آیت الله مکارم می‌فرماید:

مالک زکات و معطی خمس، حق ندارند مورد مصرف را تعیین کنند، چون در خمس شرکت است. خمس مال الله است، در زکات هم شرکت است، و مال خودش نیست، مال خدا فقرا و مساکین است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: درس شماره ۸۷).

سهم سبیل الله به چه معناست؟

درباره مفهوم سبیل الله در بین فقها چندین مبنا ذکر شده است:

۱. صاحب عروه می‌فرماید: «هو جمیع سبیل الخیر»؛ تمامی کارهای خیر سبیل الله است.

۲. مرحوم آقای خویی & معتقد است سبیل الله جمیع مصالح عامۀ دینی مسلمانان است و مصارف شخصی را شامل نمی‌شود. چنانکه از رأی مشهور فقهای شیعه این مطلب استفاده می‌شود (خویی، همان: ۱۱۱/۲۴). از این

دیدگاه، صرف زکات در حج در بعضی موارد جایز است و در بعضی موارد جایز نیست. مثلاً اگر برای رسیدن به سبل الخیر هیچ راهی جز زکات نباشد، در این مورد استفاده از زکات جایز است. مثلاً گاهی در بعضی از سالها، حجاج دور خانه خدا کم می‌شوند. در اینجا ضرورت اقتضا می‌کند که برای حفظ شکوه و عظمت اسلام و خانه خدا، تعدادی از طریق زکات به حج فرستاده شوند تا دور خانه خدا خلوت نباشد.

۳. آیت‌الله مکارم می‌فرماید:

مالک نمی‌تواند تعیین مورد مصرف کند و بگوید: من از سهم سبیل‌الله دادم. این کار را انجام بده. بنابراین، مراد از سبیل‌الله، مصارف عامه دینی است. گاه فرستادن به حج از مصارف عامه دینی است و موجب تقویت دین و عظمت اسلام می‌شود. حاکم شرع به عنوان ثانوی از باب اینکه ولی مسلمین است، مصالح را در نظر می‌گیرد و می‌تواند تعیین کند. اما اگر مصرف، مصلحت عامه دینی نداشته باشد، نمی‌توان از زکات پرداخت نمود، خصوصاً در زمانی که تعداد حجاج زیاد است. در این شرایط، خرج زکات برای حج و خرج نکردن برای مصارف دیگر بسیار مشکل است (مکارم شیرازی، همان: درس شماره ۸۹).

از این مطلب استفاده می‌شود که مراد از سبیل‌الله، مصالح عامه دینی مسلمین و تعظیم شعائر اسلام است. در این باره روایاتی رسیده است که اگر در سالی تعداد حجاج کم بود، حاکم شرع باید، از طریق زکات (سهم سبیل‌الله) کسانی را به حج بفرستد، تا خانه خدا خلوت نشود. در اینجا به دو روایت اشاره می‌شود:

۱. عن علی بن یقظین أنه قال لأبي الحسن الاول: * یكون عندی المال من الزکاة أفأحجّ به موالی و

أقاریبی؟ قال: نعم (حرعاملی، همان: ۴۲/۶ از ابواب مستحقین زکات حدیث ۱).

۲. عن محمد بن مسلم عن أبي عبدالله * قال: سألت رجلاً أبا عبدالله * وأنا جالس فقال: إني أعطی

من الزکاة فأجمعه حتی أحجّ به؟ قال: نعم أجز الله من یعطیک (حرعاملی، همان: حدیث ۳).

باید توجه داشت که این روایات از حیث مدلول بر فضیلت داشتن حج از انفاق دلالت دارد، اما از حیث منطوق بر تعداد حجاج در سال نیز دلالت می‌کند. چون مناط مصرف زکات در حج این است که دورخانه خدا خلوت نباشد و عظمت و جلالت آن همواره تا ابد باید حفظ شود. از این رو، اگر حجاج دور خانه خدا به تعداد کافی نباشند، وظیفه حاکم شرع است که برای تقویت شکوه و عظمت اسلام، عده‌ای را از طریق زکات به حج بفرستد، زیرا اگر در رفتن حج، این مناط و مصلحت عامه دینی نباشد، مصرف زکات در حج جایز نیست.

بنابراین، کسی که خمس و زکات مالش را نپرداخته است، نمی‌تواند خودش با آن مال غیر مزکی حج برود، چون در حکم مال غصبی است. همچنین فرد، حق تعیین موارد مصرف خمس و زکات را ندارد. به این صورت که

حکم حج با مال حرام □ ۹۹

خمس و زکات را به کسی بپردازد و در ضمن شرط کند که با آن حج به جا آورد، زیرا خمس، مال خدا و امام است و حق تعیین موارد مصرف آن به دست فقهاست. معطی، حق مصرف ندارد، تا چه رسد در آن تصرف کند و با آن حج برود. زکات هم مال خدا و فقرا و مساکین است و باید طبق مناط و مصالح عامه دینی مصرف گردد.

حکم حج با مال حرام و غصبی

کسی که مستطیع است، اگر با پول حلال خودش حج برود، حجش صحیح و کامل است و بحثی ندارد. آیه شریفه «... و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً...» (آل عمران: ۹۷) هم دلالت بر همین مورد دارد و می‌فرماید: کسی که استطاعت با مال حلال پیدا کرده است، حج بر او واجب است. اما در مورد شخصی که با مال حرام و غصبی حج می‌رود، این آیه هیچ‌گونه دلالت ندارد. در این حال، آیا در روایات و کلمات فقها، درباره حکم حج، با مال حرام و غصبی، دلیل و شاهی وجود دارد؟ فقها در این باره تاکنون دیدگاهها و اقوال متفاوتی مطرح کرده‌اند. به همه این اقوال و روایات در ذیل اشاره می‌شود.

اقوال فقها

قول اول: استدلال صاحب عروه

مرحوم سید کاظم یزدی از فقهای قرن چهاردهم قمری درباره حج با مال حرام در مسئله ۷۰ عروه می‌فرماید: اذا استقر عليه الحج كان عليه خمس او زكات او غيرهما من الحقوق الواجبة وجب عليه اداؤها ولا يجوز له المشي الى الحج قبلها ولو تركها عصى و اما حجه فصحيح.

از این عبارت ایشان فهمیده می‌شود که حقوق واجبه‌ای که بر مال تعلق گرفته است، زکات و خمس یا غیر آن، بر حج مقدم است. چون بر مستطیع واجب است که قبل از حرکت به سوی حج، تمام اموالش را پاک کند و با مال حلال به حج برود. اما اگر فرد توجه به پرداخت حقوق واجب نکند و با مال حرام به حج رود، در اینجا مرحوم یزدی سه صورت را بیان کرده است:

صورت اول

وی می‌فرماید:

اما حجه فصحيح اذا كانت الحقوق في ذمته لا في عين ماله؛ در صورتی که حقوق به ذمه باشد، یعنی در نیتش این باشد که پس از حج از مال غیرغصبی پرداخت می‌کنم حجش صحیح است، اما اگر حقوق واجبه را به ذمه نگیرد، و در عین مالش باشد حج صحیح نیست (یزدی، همان:

۱۰۰ فصلنامه تخصصی پژوهشنامه فقهی / سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۸۹
۲/۲۷۵-۲۷۶).

مثلاً در مورد قربانی، بیع باید به صورت شخصی و نقدی باشد، نه بیع در ذمه، یعنی مال حرام بدهد، قربانی بخرد. این بیع صحیح نیست، چون مالک نمی‌شود و قربانی باطل است.

صورت دوم

در عین مال خمس و زکات و غیره تعلق گرفته است، ولی مالی را که در مؤونه حج مصرف می‌کند از آن اموال نیست، بلکه غیر آنهاست. در این صورت حج صحیح است.

صورت سوم

صاحب عروه معتقد است پنج مورد باید از حلال باشد و اگر از حرام باشد، حج باطل است. وی این پنج مورد را استثنا کرده که عبارت است از: لباس احرام، لباس طواف، لباس نماز طواف، لباس سعی، پول قربانی، وی می‌گوید: اگر این موارد از حلال باشد و بقیه از حرام، هرچند گناه کرده ولی حجش صحیح است.

قول دوم: استدلال امام خمینی درباره حج با مال حرام

می‌فرماید: کسی که استطاعت حج برایش حاصل شده باشد، اگر با مال خودش حج به جا آورد بحثی ندارد. اما اگر از مال غضبی حج به جا آورد، در حالی که مستطیع است و مال حلال دارد، یا با مال غیرمخمس و غیرمزکی حج برود، آیا حجش صحیح است یا نه؟

ایشان معتقد است در صورتی که لباس نماز طواف و پول قربانی غضبی باشد، احوط عدم صحت است. اما اگر آنها را به ذمه بخرد، بعداً از حلال بدهد حج صحیح است. اگر از مال غضبی بدهد حج صحیح نیست. اما درباره لباس احرام و لباس سعی می‌فرماید: احتیاط این است که از غضبی بودن آنها اجتناب شود (امام خمینی، همان: ۳۸۰/).

از استدلال امام فهمیده می‌شود که احتیاط شرط صحت در هر یک از نماز و طواف و قربانی و احرام و سعی، حلیت لباس و پول قربانی است.

قول سوم: استدلال مرحوم خوئی

ایشان از پنج موردی که صاحب عروه به حلال بودن آنها در حج قائل است، دو مورد را حذف کرده که عبارت است از: لباس احرام و لباس سعی، می‌فرماید:

ان ثوب الاحرام لو كان حراما لايضرب بصحة الحج والاحرام لان لبس ثوبي الاحرام واجب مستقل

حرام بودن لباس احرام، ضرر به صحت حج و احرام نمی‌زند، چون لباس احرام شرط احرام نیست، بلکه واجب مستقل است. همچنین حرام بودن لباس سعی، ضرر به سعی نمی‌زند، زیرا اصلاً در سعی، لباس شرط نیست.

اشکال آیت‌الله مکارم به مرحوم خویی &

ایشان می‌گویند: باید دید قاعده چه اقتضا می‌کند. قاعده می‌گوید: «لا یجوز قصد القرابة بالحرام؛ در امر حرام، قصد قربت متصور نیست.» ظاهر عبارت مرحوم خویی & این است که غیر از ساتر، اگر بقیه لباسها از حرام باشد، نماز صحیح است. چون ایشان زائد بر ساتر را مأمور به نمی‌داند، منهی عنه بودنش را مبطل احرام نمی‌داند. ولی این سؤال پیش می‌آید که آیا حرکت صلاتی، سبب حرکت لباسهای غیر ساتر می‌شود یا نه. البته سبب حرکت لباسهای غیر ساتر هم می‌شود. اگر چنین باشد، چون در لباس غیر هم تصرف می‌شود، و سبب حرام، حرام است، در این حال، نمازگزار اول بدن را حرکت می‌دهد، و لباسی که حرام است به تبع بدن حرکت می‌کند. اگر حرکت لباس حرام است، سبب حرکت بدن می‌شود. این نیز باید حرام باشد، چون حرمت به سبب سرایت می‌کند. آیا می‌توان به واسطه حرکتی که سبب حرام می‌شود، تقرب به خدا پیدا کرد؟ ممکن نیست فرد به چیزی که حرام است قصد قربت کند، زیرا همه لباس حکم ساتر را دارد. اگر لباس حرام باشد، قصد قربت ممکن نیست. در مورد سعی هم ستر را لازم می‌دانیم. ستر، شرط سعی است، همان سخنی که در صلوة گفتیم در سعی نیز جاری است (مکارم شیرازی، همان: درس شماره ۱۱).

ایشان چهار مورد دیگر را (آن مواردی که صاحب عروه معتقد به حرمت آنهاست) اضافه نموده است که عبارت‌اند از:

۱. محل وقوفین نباید غضبی باشد «من سبق الی مالهم ینسبق الیه المسلمون فهو احق به». ۲. وقوف درخیمه غضبی هم حرام است ۳. اگر سنگهای رمی جمرات هم غضبی باشد حرام است ۴. اگر مرکب (وسیله‌ای) که با آن طواف و سعی را انجام می‌دهند غضبی باشد حرام است.

قول چهارم: تفصیل ابن ادریس درباره حج با مال حرام

ایشان می‌فرماید: کسی که با مال حرام حج انجام می‌دهد دو صورت دارد: گاهی با مال حرام حج می‌رود و قبلاً حج بر او واجب نبوده است. اگر بعد از آنکه با مال حرام حج را انجام داد، مستطیع شد و استطاعت با مال حلال به گردش آمد، حجی که قبلاً با مال حرام انجام داده است، مجزی از حجّه الاسلام دوم نیست.

گاهی قبل از غضب مال حرام، حج به ذمه‌اش مستقر شده است و این شخص با مال حرام حج انجام می‌دهد.

۱۰۲ □ فصلنامه تخصصی پژوهشنامه فقهی / سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۸۹

این حج مجزی از آن حجة الاسلام قبلی است، ولو حرام است. چون این شخص قبلاً از مال حلال مستطیع شده و حال مباشرة بنفسه حضور در مواقف و مشاعر یافته است. تنها چیزی که صحیح نیست، قربانی است. اگر قربانی را با عین مال حرام بخرد، باطل است و مجزی از آن قربانی که بر او واجب بوده نیست. در این صورت بر او واجب است قربانی را با مال حلال بخرد یا بدل از قربانی روزه بگیرد. ایشان می‌گویند: به هر حال، قربانی سبب افساد حج نمی‌شود، چون قربانی رکن حج نیست (بحرانی، الحقائق الناضرة: ۱۴ / ۱۲۰).

قول پنجم: استدلال صاحب حدائق درباره حج با مال حرام

ایشان در جواب ابن ادریس می‌فرماید: کسی که با مال حرام حج می‌رود، فرقی نمی‌کند که قبلاً حج به گردش آمده باشد، یا بعد از انجام حج با مال حرام، قدرت استطاعت جدید پیدا شود، به هر صورت حج با مال حرام مجزی نیست. ظاهر اخبار دلالت می‌کند که حج با مال حرام مطلقاً باطل است (بحرانی، همان: ۱۴ / ۱۲۰). فرق هم نمی‌کند که قبل از حج با مال حرام، استطاعت مستقر شده باشد، یا قبل از مال حرام استطاعت مستقر نبوده است. در هر صورت، حج با مال حرام باطل است. تنها کسی که به روایات استدلال کرده ایشان است.

بیان ادله

دلیل اول: قاعده

آیت الله مکارم می‌فرماید: مسئله حج با مال حرام به حسب قاعده، به اجتماع امر و نهی برمی‌گردد. طبق مبنای متأخرین، اجتماع امر و نهی جایز نیست. تمام اعمال و مناسک حج عبادت است و عبادت هم قصد قربت می‌خواهد و بدون قصد قربت تحقق پیدا نمی‌کند. به همین جهت در قصد قربت دو چیز شرط شده است: ۱. نیت. ۲. منوی قابل تقرب باشد. اگر از این راه وارد شویم، هیچ عبادتی با غضب صحیح نیست. پس در تمامی عبادات، واجب یا مستحب، در صورت اجتماع امر و نهی نمی‌توان با آن تقرب جست و باطل است (مکارم شیرازی، همان: درس شماره ۱۱). بنابراین، طبق قاعده، حلیت مال شرط صحت در تمام اعمال حج است.

دلیل دوم: روایات

اگر کسی که مستطیع است و مال حلال دارد، با مال غصبی و حرام حج برود، طبق قاعده این حج باطل است. در این باره روایاتی نیز رسیده که مضمون متفاوت دارند. در برخی از آنها آمده است: حج با مال حرام و غصبی قبول نیست. بعضی دیگر آمده است: حج با مال حرام و غصبی فاسد است. در دسته سوم آمده است: عمل صحیح است. غیر از صاحب حدائق کسی سراغ این روایات نرفته است. این روایات که ایشان، به آنها استدلال می‌کند، سه دسته

دسته اول

۱. محمد بن علی بن الحسین (مرسله صدوق) قال روى عن الائمة^ه انهم قالوا: من حج بمال الحرام نودى عند التلبية لا لبيك عبدى ولا سعديك (حرعاملی، همان: ۵۲/۸، ابواب وجوب الحج و شرائطه حدیث ۱).

این روایت دلالت می‌کند بر اینکه حج با مال حرام قبول نیست، اما برفساد دلالت ندارد.

۲. عن محمد بن علی ما جلیویه عن ابیه عن احمد بن ابی عبد عن الحسن بن محبوب عن ابی ایوب الخزاز عن محمد بن مسلم و منهال القصاب جميعاً عن ابی جعفر الباقر^ع قال: من اصاب مالاً من اربع لم يقبل منه فى اربع من اصاب مالاً من غلول او ربا او خيانة او سرقة لم يقبل منه فى زكاة ولا صدقة ولا حج ولا عمرة (همان: حدیث ۵).

این روایت نیز دلالت می‌کند، که حج با مال حرام قبول نیست، اما نسبت به افساد ابهام دارد.

۳. عن الحسن بن محبوب عن حديد المدائني عن ابی عبدالله^ع قال: صونوا دينكم بالورع، و قسووه بالتقية والاستغناء بالله عن طلب الحوائج من السلطان، واعلموا أنه أیما مؤمن خضع لصاحب سلطان أو لمن يخالفه على دينه طلباً لما فى يديه أحمله الله مقته عليه و وكله الله إليه فإن هو غلب على شيء من دنياه صار فى يديه منه شيء نزع البركة منه و لم يأجره على شيء ينفقه حج و لا عمرة ولا عتق (همان: حدیث ۷).

این روایت می‌فرماید: کسی که پیش سلطان ظالم برود تا اموال به دست آورد، خداوند او را در قیامت، به همان ظالم حواله می‌کند و برکت را از مال او می‌گیرد. اگر با آن مال حج انجام دهد، حجتش صحیح نیست و اجر و ثواب ندارد. اما آیا عمل نیز باطل است، روایت از این نظر ابهام دارد.

۴. عن النوفلى عن السكونى عن ابی عبدالله عن ابیه^ع انّ النبى | حمل جهازه على راحلته و قال هذه حجة لاریاء فيها و لاسمعة ثم قال من تجهّز فى جهازه علم حرام لم يقبل الله منه الحج (همان: حدیث ۸).

آیت‌الله مکارم می‌فرماید:

این چهار حدیث که برخی صحیح‌السند است، دلالت بر عدم قبول دارد، که اعم از فساد است و دلالت بر بطلان ندارد (مکارم شیرازی، همان: درس شماره ۱۱).

۱۰۴ □ فصلنامه تخصصی پژوهشنامه فقهی / سال اول / شماره اول / پاییز
۱۳۸۹

دسته دوم: روایات دال بر فساد حج با مال حرام

۱. سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن عیسی... عن ابان بن عثمان الاحمر. (۱)

عن ابی عبدالله \times قال: اربع لا یجزن فی اربع الخیانه والغلول والسرقه والربا لا یجزن فی حج ولا عمره

ولا جهاد ولا صدقه (حرعاملی، همان: ۵۲ / ۸، ابواب وجوب الحج و شرائطه حدیث ۴).

۲. عن رسول الله | انه قال فی آخر خطبه خطبها من اکتسب مالاً حراماً لم یقبل منه صدقه ولا اعتقاً

ولاحجاً ولا اعتماراً و کتب الله له بعدد اجزاء ذلك او زاراً وما بقى منه بعد موته كان زاده الى النار

(همان: حدیث ۶).

این دو روایت دلالت دارد که حج با مال حرام باطل است.

دسته سوم: روایت دال بر صحت عمل

یک روایت وجود دارد که بر اساس آن می‌گوید عمل صحیح است:

قال:

قال^(۲) لما حج موسى نزل عليه جبرئیل فقال له موسى \times يا جبرئیل ما لمن حج هذا البيت بلانیه صادقه

ولا نفقه طيبه؟ فقال: لا ادری حتی ارجع الی ربی عزوجل فلما رجع قال الله عزوجل يا جبرئیل ما قال

لك موسى و هو اعلم بما قال: يارب قال لی ما لمن حج هذا البيت بلانیه صادقه ولا نفقه طيبه قال

الله عزوجل ارجع الیه و قل له اهب له حقی و ارضی علیه خلقی (همان: ۳)

آیت‌الله مکارم می‌گوید:

این روایت علاوه بر ضعف سند برخلاف قواعد است. چون معنا ندارد که خداوند حق الناس را

به عهده بگیرد و صاحب حق را راضی کند (مکارم شیرازی، همان: درس شماره ۱۲).

جمع روایات

روایات اخیر، هم ضعف سند دارد و هم از حیث دلالت برخلاف قواعد است. لذا کنار گذاشته می‌شوند. اما

روایات دیگر که بعضی صحیح‌السند هستند، اطلاق دارند و بر اساس آنها کسی که مالش حرام است، در هیچ جای

حج نمی‌تواند از آن استفاده کند و نمی‌تواند قصد قربت کند. بنابراین، روایات دسته اول و دوم، بر روایات دسته

سوم مقدم می‌شوند. آیت‌الله مکارم می‌گوید: برطبق این روایات، احتیاط واجب این است که حج باید با مال حلال

انجام داده شود (مکارم شیرازی، همان: درس شماره ۱۲).

حکم حج با مال حرام □ ۱۰۵

از این رهگذر، وقتی روایات را از حیث سند و دلالت قبول کنیم، جای شک باقی نمی‌ماند که باید این قول صاحب حدائق را قبول کنیم که حج با مال حرام مطلقاً باطل است. زیرا دیدگاه ایشان، هم مطابق روایات است، و هم با قاعده و عرف سازگاری دارد. از این رو، بر طبق این نظریه، نتیجه این می‌شود که تمامی هزینه حج حتی کرایه هواپیما، کرایه ماشین، هزینه ثبت نام و... همه بدون تفصیل باید از حلال باشد. حتی اگر بعضی از حلال و بعضی از حرام باشد، حج باطل است.

جمع بندی اقوال

تصرف در مال غیرمخمس و غیرمزکی، بدون اذن امام X و نائیش در حکم مال غضبی و حرام است. صاحب عروه پنج مورد را از مال حرام و غضبی استثنا نمود و فرمود: لباس احرام، لباس طواف، لباس نماز طواف، و لباس سعی و پول قربانی، اگر از مال حلال باشد و بقیه از حرام، ولو فرد گناه کرده، حج صحیح است. مرحوم امام می‌فرماید: اگر لباس نماز طواف، لباس احرام و لباس سعی و پول قربانی از مال غضبی باشد، حج صحیح نیست، اما اگر به ذمه بگیرد و بعداً از حلال بدهد صحیح است. اگر از غضب بدهد، احوط عدم صحت حج است. مرحوم خوئی & از آن پنج مورد، لباس احرام و لباس سعی را حذف کرده و مبنایش این است که اینها واجب مستقل است. وی معتقد است که لباس، شرط احرام و شرط سعی نیست. آیت‌الله مکارم علاوه بر آن پنج مورد، که صاحب عروه معتقد است باید حلال باشد، چهار مورد دیگر را، نیز اضافه نمود.

ابن ادریس قائل است که اگر حج قبلاً مستقر شود و غاصب بعداً با مال حرام حج به جا آورد، مجزی از آن حج نیست. اما اگر غاصب بعد از انجام حج با مال حرام، دوباره با مال حلال مستطیع شود، آن حج که با مال حرام انجام داده، مجزی از حج دوم است. یعنی آن حج که با مال حرام انجام داده، به استثنای پول قربانی صحیح است. این مبنا بر خلاف قواعد است.

علاوه بر این، آیت‌الله مکارم می‌فرماید: در باب اجتماع امر و نهی، اجتماع جایز نیست، چون با غضب عبادت، قابل تقرب نیست. صاحب حدائق می‌فرماید: حج با مال حرام مطلقاً باطل است. دلیل ایشان چند دسته از روایات بود که بیان شد. در نتیجه قول صاحب حدائق دقیق‌تر و متقن‌تر است، چون قول ایشان، هم مطابق قاعده و روایات و هم مورد تأیید عرف است.

دلیل سوم: سیره اهل بیت^ع

چنان‌که قبلاً اشاره شد، کسی که با مال حرام و غضبی حج برود، حجتش قبول نیست، یعنی باطل است، در این باره

۱۰۶ □ فصلنامه تخصصی پژوهشنامه فقهی / سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۸۹

روایات بسیاری آمده که ذکر شد. علاوه بر آن، یک روایت دیگر داریم که حاکی از سیره ائمه^ع است، این سیره مبنی بر این است، که سه چیز باید از پاک‌ترین اموال تهیه شود: حج، مهر نساء، کفن:

روی عن أبي الحسن موسى بن جعفر * أنه قال: أنا أهل بيت حجّ ضرورتنا و مهوور نساتنا و أكفاننا من

طهور اموالنا (حرعاملی، همان: ۸ / ۵۲ از ابواب وجوب الحج و شرائطه حدیث ۲).

در این روایت، امام * با کلمه طهور می‌فرماید: ما اهل بیت این کار را انجام می‌دهیم. معلوم می‌شود که حج خصوصیت دارد و نباید کوچک‌ترین بی‌توجهی را به آن روا داشت. باید تمام اعمال این واجب الهی، با نهایت اهتمام از پاک‌ترین اموال انجام داده شود و اگر بعضی از هزینه آن حلال و بعضی حرام باشد، حج باطل است.

دلیل چهارم: رجوع به عرف

کسی که با مال حرام حج برود، عرف جامعه از او، این نوع حج را نمی‌پذیرد. این نوع ارتکاز عرفی در همه زمانها جریان داشته است. به این صورت، کسی که عزم مکه می‌کند، خودسازی را از همان آغاز شروع می‌کند، تا اینکه به آن فیض ملکوتی نائل شود و توفیق رفیقش گردد. اگر این آمادگی را نداشته باشد، درک عظمت الهی و قرب او برایش ناممکن خواهد بود. کسی که با مال حرام حج می‌رود، زمینه درک عظمت الهی و توفیق خودسازی در روح و روان او، وجود ندارد. پس، از نظر عرف هم، حج با مال حرام صحیح نیست.

نتیجه تحقیق

فلسفه و آثار حج با مال حلال است نه مال حرام

چنان‌که قبلاً بیان شد، طبق قاعده و روایات و رجوع به عرف، حج با مال حرام و غضبی باطل است. نیز بیان شد مالی که هنوز خمس و سهم آن جدا نشده است، در حکم مال غضبی است. از این رو، کسی که با مال متعلق خمس حج برود، اعمالش باطل است. وقتی عبادت باطل باشد، دیگر فلسفه و آثار ندارد، چون فلسفه و آثار بر اعمال صحیح مترتب است. علاوه بر این، مال حرام با توجه به آن قذارت باطنی که دارد، مانع رسیدن به سعادت و کمال است. بیشترین کسانی که به هلاکت رسیده‌اند، به سبب مال حرام بوده است، آری، «دلی که لقمه حرام روئیده کجا قابلیت انوار» (نراقی، معراج السعادة: ۴۴۰). بنابراین، مال حرام با توجه به آن قذارت باطنی، نه تنها، با فلسفه و معنویت حج سازگار نیست، بلکه آثار منفی و زیانبار بر آن مترتب است؛ برخی از این آثار عبارت‌اند از:

الف) عدم تحول اخلاقی

کسی که با مال حلال به زیارت خانه خدا می‌رود، تحول اخلاقی پیدا می‌کند و با حضورش در کنار خانه خدا از

حکم حج با مال حرام □ ۱۰۷

عطر معنویت سرشار می‌گردد، حس تقرب به او دست می‌دهد، احساس آسمانی شدن پیدا می‌کند، رشته‌های وابستگی به مال و مقام گسسته می‌شود (ویژه‌نامه زائران حج تمتع: شماره ۱۳۸۸/۲۸). اصولاً این نوع تحول اخلاقی، نورانیت قلب و لطافت ظاهر و باطن، با مال حرام هرگز قابل جمع نیست، زیرا فلسفه رفتن به حج این است که حاجی بدانند و احساس کند که کجا می‌رود و دعوت چه کسی را اجابت می‌کند و مهمان کیست و آداب این مهمانی چیست. وی باید بداند که هر خودخواهی و مال‌خواهی، با خداخواهی مخالف است (فصلنامه حضور: ۷۰/۶۸). مال حرام این احساسات را در قلب حاجی نابود می‌کند و او را از فیض تقرب به خدا و احساس حضور باز می‌دارد.

(ب) عدم توفیق

حاجی باید بداند که با حضورش در کنار خانه کعبه و مواقف و مشاعر مشرفه، باید عظمت الهی را درک کند و ظاهر و باطن خود را آباد سازد، و از وابستگی به خانه و مال و مقام دوری کند. این توفیق در صورتی میسر خواهد شد که هزینه حج حلال و پاک باشد و حق الناس و حق الله به گردنش نباشد. بنابراین، کسی که با مال حرام حج می‌رود، توفیق درک عظمت الهی و استشمام عطر نورانیت مکه و مدینه و صفای باطن و احساس آسمانی شدن را ندارد، چون از خصوصیات مال حرام این است که این توفیقات را از انسان می‌گیرد و او را محروم می‌کند.

پي نوشتها

- (۱). کشی دربارهٔ ابان بن عثمان می گوید: «ممن اجمعت الاصحاب علی قبول روايته» بنابراین، روایت موثق است.
- (۲). (صدوق چون «قال» گفته، معلوم می شود که روایت نزد او معتبر بوده است) قال الصادق ×.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. قرآن کریم.
۲. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه دارالعلم، چاپ مهر، بی تا.
۳. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، انتشارات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة.
۴. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعة، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۹.
۵. خویی، ابوالقاسم، المستند فی شرح العروة الوثقی، مؤسسه احیاء آثار الامام خویی، ۱۴۲۸ق.
۶. شبیری زنجانی، مناسک حج، بی جا، بی نا، بی تا.
۷. فصلنامه حضور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، شماره ۶۸، ۱۳۸۸.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، درس خارج ۱۳۸۸.
۹. نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، قم، مؤسسه انتشارات ستاره، ۱۳۷۵.
۱۰. ویژه نامه زائران حج تمتع، سال ۱۳۸۸.
۱۱. یزدی، سید محمدکاظم، عروة الوثقی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۲۴ق.